

تذکره عبور و مرور در دوره قاجار و نقش آن در مناسبات بین‌المللی

حسن زندیه^۱
بهاره زرگری^۲

چکیده

با تشکیل دولت‌های مدرن و شکل‌گیری مرزهای نوین، همواره به منظور امنیت مرزها و روابط رسمی سیاسی، عبور و مرور افراد تحت قوانین خاص مرزی دولت‌ها صورت می‌گرفت. در ایران نیز، به دنبال تعریف مرزهای نوین جغرافیای سیاسی، گسترش روابط خارجی و آشنایی نخبگان سیاسی و روشنفکران با جریان مدرنیزاسیون، بحث احیای هویت ملی و ایرانی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در این جریان، برای تثبیت هویت ملی و تأمین امنیت مرزهای نوین جغرافیای سیاسی (در قالب سرزمین)، دولتمردان به تدوین قوانینی مبتنی بر اعمال محدودیت بر تردد افراد از مرزها در قالب ارائه صدور برگه عبور و مرور تحت عنوان تذکره عبور و مرور پرداختند. گرچه ارائه برگه عبور (باشبورت) پیش از این نیز در دستورالعمل مأمورین سرحدات قرار داشت، اما در دوره ناصرالدین‌شاه و صدارت امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ق. نخستین بار، قانون تذکره عبور و مرور به وزارت امور خارجه ابلاغ و در پی آن اداره تذکره تأسیس شد. بنابراین، دوره ناصری و صدارت امیرکبیر را می‌توان نقطه عطفی در جریان صدور تذکره‌های رسمی در نظر گرفت. بررسی چگونگی روند صدور تذکره عبور و مرور رسمی در دوره قاجار تا پایان این دوره، موضوع اصلی مقاله حاضر است و هدف، بررسی تاریخچه برگه عبور در سفرنامه‌های تاریخی و چگونگی روند صدور تذکره عبور تا پایان دوره قاجار بر اساس روش توصیفی است.

واژگان کلیدی

قاجار، مناسبات بین‌المللی، تذکره عبور و مرور

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۳/۱۳

^۱ عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران zandiyehh@ut.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته اسناد و مدارک آرشیوی دانشگاه تهران bahareh.zargari@yahoo.com

مقدمه

پس از تشکیل تمدن‌ها و دولت‌های بزرگ، برای فرستادگان مخصوص و گاهی اوقات برای مسافران عادی، جواز و برگه عبور صادر می‌شد. مطالب مندرج در این برگه، شامل نام رهسپاران یا راهبر رهسپاران بود؛ اینکه مقصد وی کجاست و در نهایت از چه کسی گذرنامه دریافت کرده است (کخ، ۱۳۷۸: ۱۲). مثلاً به دستور داریوش هخامنشی و از جانب ساتراپ‌های مأمور محافظت از مرزهای ایران، از این قبیل مجوزها صادر می‌شد. چنانکه اجازه‌نامه‌ای هم از جانب اردشیر دوم (۴۲۴-۴۶۵ پ. م.) به نام نجمیا (مباشّر یهودی وی)، برای حکمرانان منطقه غرب فرات، به‌عنوان نماینده پادشاه پارس به‌سوی اورشلیم صادر شد (گلن و مرتن ۱۳۸۳: ۹۰۵).

عبور و مرور در دوره‌های متأخر، تحت‌الشعاع تغییرات اساسی و حقوقی در اساسنامه‌های مدون دولت‌های مدرن (بعد از انقلابات اروپا- قرن ۱۶ میلادی به بعد) و مرزبندی‌های سیاسی جدید قرار داشته است. کوشش برای حفظ امنیت مرزها و از سوی دیگر، شکل‌گیری روابط بین‌الملل، صدور و بررسی برگه‌های عبور (تذکره- گذرنامه- پاسپورت) را در دستور کار مرزبانان دولت‌ها قرار داد. در ایران عهد صفوی، روابط بین‌الملل با توجه به منافع ایران و اروپا در اتحاد علیه عثمانی در همین دوره آغاز شد و در دوره قاجار (قرن ۱۹ میلادی) مراحل رشد و تکامل را طی کرد. هم‌زمان با گسترش روابط خارجه با اروپا (از جمله تأسیس دفتر امور خارجه و فرستادن نخستین گروه محصلین به اروپا) و تعریف مرزهای نوین سیاسی بعد از شکست‌های ایران در نبرد با روس، قوانینی برای حفظ امنیت مرزهای تعیین‌شده در عهدنامه‌ها در قالب صدور اسناد سفر، تذکره عبور برای معرفی هویت فرد و همراهان و اجازه ورود به مرز مربوطه، به افراد مسئول ابلاغ شد. اما آنچه به‌طور رسمی و قانونی به‌عنوان تذکره یا همان گذرنامه در دستگاه دیوانی دوره قاجار رسمیت یافت، پس از تفکیک وزارتخانه‌ها از جانب ناصرالدین‌شاه و در دوره صدارت امیرکبیر (۱۲۶۷ق.) بود: امیرکبیر تذکره‌خانه را در ضلع شرقی ارگ تهران تأسیس کرد و برای آن، سرپرستی نیز برگزید. اولین تذکره چاپی با نشان شیروخورشید در دوره ناصرالدین‌شاه و یک سال پس از مرگ امیرکبیر

(۱۲۶۹ق.) در دستگاه دیپلماسی و وزارت امور خارجه رواج یافت. بنابراین، دورهٔ صدارت امیرکبیر نقطهٔ عطف در استفاده از تذکره عبور، در تاریخ ایران محسوب می‌شود. اما روند تاریخی صدور تذکرهٔ عبور و مرور در ایران چگونه بود؟ گرچه در منابع و سفرنامه‌ها، خصوصاً در سفرنامه‌های اروپایی و سفرنامه‌های حج در دورهٔ قاجار، اشاراتی به مسائل و مشکلات مسافران در عبور از مرزها هست، اما پژوهشی مستقل در زمینهٔ بررسی روند تاریخی صدور تذکره عبور و مرور در دستگاه دیپلماسی ایران انجام نشده است.

اهمیت صدور جواز عبور و مرور در دورهٔ صفوی

با گشایش راه اقیانوس اطلس و گسترش روابط غرب و شرق، مسافرت‌های دریایی رونق یافت و ورود سیاحان اروپایی به شرق آسان شد. پیدایش استعمار از نظر سیاسی و شکل‌گیری سرمایه‌داری به لحاظ اقتصادی از مهم‌ترین پیامدهای گشایش راه اقیانوس اطلس بود. با شکل‌گیری مرزهای سیاسی جدید در اروپا و رشد اندیشهٔ ناسیونالیسم، دولت‌های جدید اروپایی در جست‌وجوی منافع تجاری و سیاسی، به رقابت در سرزمین‌های شرق پرداختند. با پیدایش سرمایه‌داری نوین در سدهٔ شانزدهم میلادی، حرکت سرمایه‌داران و بورژوازی غرب به‌سوی شرق آغاز شد. موقعیت سوق‌الجیشی ایران و خلیج فارس در مسیر راه‌های مهم تجاری غرب و شرق، موجب توجه ویژه به ایران گردید. در این شرایط و به دنبال ورود شمار فراوانی از سیاحان اروپایی به ایران، ادبیات سفرنامه‌نویسی در دوران صفوی، از نظر کمی و کیفی رشد گسترده یافت. با تأسیس کمپانی هند شرقی، جنوب ایران به محلی برای رقابت سه کمپانی تجاری انگلیس، فرانسه و هلند تبدیل شد و در پی آن، سفرا و تجار به‌عنوان نمایندگان دائمی در خاک ایران فعالیت‌های خود را آغاز کردند. نکتهٔ شایان ذکر آنکه، بسیاری از این نمایندگان، در قالب گزارش‌های روزانه به پادشاه و فرمانروای کشور خود به نگارش سفرنامه پرداختند. این آثار امروزه در رابطه با تاریخ روابط خارجی و شناخت اوضاع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی ایران یکی از مهم‌ترین منابع به شمار می‌آیند.

سفرنامه‌های دوره صفوی در پنج قالب کلی دسته‌بندی می‌شود:

۱. گزارش سفر به اروپا و هند
۲. گزارش سفرهای زیارتی به عتبات عالیات (کربلا، نجف، کاظمین و سامرا)
۳. گزارش سفرهای داخلی در ایران
۴. گزارش سفر حج
۵. گزارش سیاحان و مأموران سیاسی، تجاری، مذهبی اروپایی و آسیایی مقیم دربار

در بیشتر سفرنامه‌های حج و گزارش‌های نمایندگان اروپاییان مقیم دربار صفوی، بحث گذرنامه به‌طور مشخص مطرح و به اصالت آن به‌عنوان سند هویتی برای مسافران اشاره شده است. آنچه در باره تذکره عبور و مرور (گذرنامه) و اهمیت صدور آن از سفرنامه‌های عصر صفوی استنباط می‌شود، به‌طور اجمال در چند بند قابل بررسی و ملاحظه است:

الف) تذکره عبور و مرور (جواز عبور و مرور) در سفرنامه‌های اروپاییان در دوره صفوی

- در دوره صفوی، نخستین بار اصطلاح "تذکره عبور" به کار رفت؛ در حالی که در دوره ایلخانی از اصطلاح تعلیقه و اجازه‌نامه استفاده می‌شد. به نوشته آنتوان شرلی، سیاح فرانسوی عصر صفوی:

"بعد از یک ماه اقامت در قزوین و بعد از اینکه دو نفر سفیر خود را در آنجا مدفون گذاردیم، پادشاه محض اظهار مرحمت به هر کدام از ماها، لباس‌های دراز زردوزی فرستاد و بعد از دوندگی زیاد پیش محمدعلی بیک اجازه مرخصی حاصل کردیم و از پادشاه تذکره عبور تحصیل نمودیم" (شرلی، ۱۳۸۷: ۲۴۵).

- در عصر صفوی یکی از مهم‌ترین دروازه‌های ورود به ایران، شهر تبریز بود و برای ورود به این شهر می‌بایست از ارمنستان و گرجستان گذرنامه دریافت می‌کردند. به نوشته ژان شاردن:

"شب‌هنگام بارون آزاریک این مرد پاک‌نهاد و صمیمی ارمنی، گذرنامه من را با سفارش‌نامه‌هایی که از استانداران ارمنستان و گرجستان گرفته

بودم، برداشت و قبل از من عازم تبریز شد. به وی دستور دادم سفارش‌نامه‌ها را از نظر مسئولان گمرکات تبریز بگذرانند و از سوی من از آنها خواهش کند که به مأموران خود دستور دهند هنگام ورود من و همراهانم به شهر، هیچ‌گونه مزاحمت به عمل نیاورند و روز بعد آگاه شدم آزاریک مأموریت خود را به تمام‌ترین و نیکوترین صورت انجام داده است" (شاردن، ۱۳۷۰: ۴۶۳).

- در سفرنامه‌های دوره صفوی اصطلاح "ناظر" به چشم می‌خورد. به نوشته سفیر پرتغال، "ناظر" همراه مباشر، یکی از کارمندان بندر محسوب می‌شد و وظیفه تخصیص گذرنامه به مسلمانان را برعهده داشت و بابت این شغل از شخص پادشاه مقرر می‌گرفت. گرگوریو پرپرا فیراللگو، سفیر پرتغال در دربار سلطان حسین صفوی در سفرنامه خود در باره این مقام چنین شرح داده است:

"مقرری سالانه نمایندگی پرتغال به کارمندان بندر یعنی ناظر و مباشر پرداخت می‌شد. مباشر مأموریت داشت که وجوه را دریافت کند و یک قسمت از آن را برحسب اوامر کتبی ناظر به مصرف برساند. وظایف دیگر ناظر عبارت بود از دادن گذرنامه به مسلمانان جهت کشتی‌رانی اطمینان‌بخش در دریای هند و فروش غنائم به‌دست‌آمده توسط کشتی‌های پرتغالی. پادشاه به این کارمندان یک مقرری پنجاه تومانی و کرایه منزل و همچنین مخارج پنج مستخدم را می‌پرداخت، ولی به مباشر مبلغ بیست‌وهشت تومان اضافه پرداخت می‌شد تا به مصرف هزینه خارجی‌ها برسد" (پرپرا فیراللگو، ۲۵۳۷: ۵۵).

- بنا بر گزارش‌های سیاحان اروپایی، سفارش‌نامه کتبی یا همان گذرنامه که از جانب پادشاه صادر می‌شد و مهر و طغرای شاه از متعلقات آن بود، اهمیت و احترام خاص داشت و این موضوع در نوشته شاردن به خوبی نمایان است:

"گفتم در آنچه می‌کنید جانب حزم و احتیاط و مدارا نگهدارید، از آنکه من سفیر شاهنشاه ایرانم و پادشاه گرجستان از هر کسی که موجبات ناراحتی و آزار ما را فراهم آورد در هر مقام که باشد به‌سختی انتقام

می‌کشد. آنگاه گذرنامه و فرمانی را که شاه ایران به من اعطا فرموده بود به ایشان نشان دادم. یکی از آن دو صاحب شخصیت آن را گرفت و خواست پاره کند و گفت در دنیا از هیچ کس و هیچ مقامی نمی‌ترسد؛ اما دیگری وی را از این کار زشت منع و وادار کرد حرمت طغرا و مهر زرین شاهنشاه ایران را هر چه تمام‌تر نگه دارد" (شاردن، ۱۳۷۰: ۴۶۳).

- به نوشته شاردن، کشورهای شرقی مانند ایران و هندوستان برای عبور و مرور نیازی به گذرنامه نداشتند و ایرانیان بدون نیاز به گذرنامه و جواز عبور، آزادانه به کشورهای مختلف سفر می‌کردند. بنابراین، محدودیت داشتن گذرنامه تنها مختص سفرا، تجار و سیاحان اروپایی بود. حتی عثمانی نیز برای ورود پادشاه فرانسه به خاک عثمانی، دستور صدور گذرنامه داده بود:

"در مشرق زمین رفتن از کشوری به کشور دیگر ممنوع نیست و گذرنامه و اجازه نمی‌خواهد و هر کس می‌تواند به مصلحت و دلخواه خود از مملکت خویش به مملکت دیگر سفر کند. رعایای ایران با آزادی تمام به هر جا که دل‌شان بخواهد بدون اجازه و گذرنامه رفت‌وآمد می‌کنند و هر وقت اراده کنند با زن و فرزند و دارایی‌شان به محل دلخواهشان کوچ می‌کنند" (همان: ۱۲۸۵).

- افرادی که از پادشاه صفوی جواز عبور دریافت می‌کردند و طغرای شاه صفوی بر برگه عبور آنها نقش بسته بود، از پرداخت هرگونه عوارض معاف بودند. این موضوع نیز حاکی از اهمیت فرمان شاه در دوره صفوی است و شاردن به آن اشاره کرده است:

"اروپاییان، مخصوصاً شرکت‌های خارجی و کسانی که گذرنامه مخصوص از شاه دارند، از پرداختن عوارض راهداری معافند" (همان).

ب) تذکره عبور و مرور (جواز عبور و مرور) در سفرنامه‌های حج در دوره صفوی

حج در دوره صفوی با توجه به روابط ایران و عثمانی، فراز و فرود بسیار داشته است. به همین سبب نیز پژوهش‌های فراوانی در این حوزه انجام شده است. مهم‌ترین مسأله در این دوره، اختلافات مذهبی دولت عثمانی و صفوی و سفر حج‌اج ایرانی است. عمال سنی‌مذهب عثمانی در مکه، مدینه و عتبات، با حج‌اج شیعی‌مذهب ایرانی به سبب

اختلافات سیاسی و مذهبی دیرینه، همچون جاسوسان دولت صفوی بدرفتاری می‌کردند و در بسیاری از سفرنامه‌های حج دوره صفوی، حجاج و زوّار این موضوع را به‌طور مبسوط شرح داده‌اند. حتی یکی از علمای شیعی ساکن مکه به جرم تشیع به شهادت رسید (جعفریان، ۱۳۸۴: ۱۲۸-۱۱۷). حجاج ایرانی که اغلب از صاحب‌منصبان و ثروتمندان دوره صفوی به‌شمار می‌آمدند، برای عبور از مرزهای عثمانی می‌باید تذکره عبور رخصت‌نامه‌چه دریافت می‌کردند تا بدین‌وسیله هویت خود را برای رفع سوءظن عمّال عثمانی احراز کنند. در ضمن، بنا بر اجازه‌نامه شاه، امرای طول مسیر می‌باید امنیت آنان را تأمین می‌کردند. علاوه بر این، اختلافات مرزی نیز بر سوءرفتارهای عثمانی علیه حجاج ایرانی مؤثر بود. از مهم‌ترین مسائل در عهدنامه زهاب ۱۰۴۹ ق. بحث اختلافات مرزی و بدرفتاری عمّال عثمانی با حجاج و زوّار ایرانی بود که البته برخلاف صلح منعقد، لاینحل باقی‌ماند و به اختلافات در دوره قاجار رسید.

تذکره عبور و مرور پس از دوره صفوی تا پایان قاجار

انقراض دولت صفوی، گرچه از لحاظ سیاسی کشور را به پریشانی و آشفتگی انداخت، اما حتی در دوره افشاریه نیز راه بر سیاحان و سفرای اروپایی بسته نشد. در دوره نادرشاه، هنگام فتح خیوه، به اسارت دو اسیر انگلیسی از سپاه هند اشاره شده است که در سپاه ایران با آنها بسیار خوب برخورد کردند و حتی برای آنها گذرنامه نیز صادر شد (مینورسکی، ۱۳۸۷: ۴۵۶).

در تاریخ معاصر ایران، دوره قاجار بستری برای وقوع تغییرات اساسی و تحولات بنیادی در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود. آنچه در این گفتار حائز اهمیت است، بحث تاریخچه روابط خارجه ایران و روند تکاملی جریان صدور تذکره عبور در دوره قاجار است؛ سیری که در دوره ناصرالدین‌شاه سرانجام به قانون تذکره منتهی شد و صدور نخستین تذکره‌ها را با نشان چاپی شیروخورشید در پی داشت. پیش از آن، شایسته است چگونگی روابط خارجه در ایران عصر قاجار قبل از دوره ناصری به اختصار بررسی شود.

الف) شکل‌گیری وزارت امور خارجه در دوره قاجار/ روابط خارجی ایران در دوره صفوی با توجه به منافع مشترک حکومت صفوی و دولت‌های اروپایی، یعنی نزدیکی به یکدیگر و مقابله با دولت عثمانی شکل گرفت. بعد از سقوط صفویه، با توجه به اوضاع داخلی در ایران، رابطه ایران و غرب رو به سستی نهاد و تحولی مهم نداشت. با به قدرت رسیدن آقا محمدخان تلاش‌ها برای از سرگیری مجدد روابط آغاز شد. هم‌زمان با سلطنت فتحعلی شاه، مقارن وقوع انقلاب صنعتی در انگلیس و روی کار آمدن ناپلئون در فرانسه، اقدامات اساسی برای تکوین روابط با غرب شکل گرفت و به واسطه آن، مقامات و وظایف جدیدی در دربار تبیین شد. در این دوره به سبب حضور نمایندگان اروپایی در دربار و آگاهی عباس میرزا و صدراعظم از شرایط متفاوت ایران نسبت به اروپای آن زمان و کوشش برای جبران عقب‌ماندگی، دولت در صدد اعمال تغییرات در دستگاه دیپلماسی قاجار برآمد و یکی از مهم‌ترین تغییرات، ایجاد اصلاحات در چگونگی رسیدگی به امور خارجه و مسائل مربوط به آن در قالب تشکیل وزارت امور خارجه بود.

سابقه فعالیت وزارت امور خارجه ایران به دو قرن پیش می‌رسد. تا پایان قرن ۱۸ میلادی، امور مربوط به روابط خارجی ایران به دست رجالی اداره می‌شد که عمدتاً در دربار مستقر بودند و تشکیلاتی به نام وزارت خارجه در کشور وجود نداشت. اما از ابتدای قرن نوزدهم، از سویی توسعه روابط خارجه در قالب آغاز سفرهای اروپایی نمایندگان درباری و نخبگان سیاسی، اعزام نخستین گروه دانشجویان و محصلین به اروپا از سوی عباس میرزا و از سوی دیگر، تهدید مرزها و خاک ایران از جانب غرب، جنگ‌های ایران و روس و متعاقب آن شکست‌های پیاپی و معاهدات فرمایشی، نیازمند دیپلمات‌های حرفه‌ای بود. این امر دولت قاجار را بر آن داشت تا به فکر تأسیس وزارتخانه جدیدی با عنوان وزارت خارجه بیفتد. به تعبیری، این جنگ‌ها سبب گشایش باب مراودات ایران و جهان غرب برای برون‌رفت از عقب‌ماندگی‌ها و تأسیس نخستین کنسولگری‌ها در ایران شد. از این‌رو، فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۲۴ق. / ۱۸۰۹م. فرمان تأسیس دفتری را صادر کرد که با عنوان امور خارجی، کار مراوده با نمایندگان دولت‌های خارجی در ایران، دریافت نامه‌ها، مرسولات سلاطین خارجی، قرائت آنها در حضور شاه، تهیه پاسخ یا اعزام نمایندگان ایرانی به کشورهای خارجی را برعهده گرفت. پس از تشکیل این دفتر، میرزا

رضاقلی خان نوایی موسوم به منشی‌الممالک به دستور فتحعلی شاه سرپرست این دفتر شد. منشی‌الممالک که در آن زمان وزارت داخله را اداره می‌کرد، با حفظ سمت، مدت ۱۳ سال در دربار ایران تصدی دفتر امور خارجی را نیز برعهده داشت (منتظم ناصری، ۱۳۶۴: ۱۴۹/۳). روابط خارجی ایران تنها در اعزام نمایندگان ایرانی به خارج و یا پذیرفتن نمایندگان خارجی در ایران خلاصه نمی‌شد و حضور ایران در صحنه روابط بین‌المللی و ضرورت مواجهه با تحولات جهان ایجاب می‌کرد که کانون تصمیم‌گیری‌های ایران در عرصه سیاست خارجی فراتر از دفتری تحت پوشش دربار باشد. از این‌رو، در اکتبر ۱۸۲۱م. فتحعلی شاه رسماً دستور تأسیس وزارت امور خارجه ایران را صادر کرد. این وزارتخانه تأسیس شد و میرزا عبدالوهاب خان نشاط اصفهانی به‌عنوان نخستین وزیر امور خارجه ایران منصوب گردید (همان).

ب) کارگزاری‌ها، نمایندگان رسمی وزارت امور خارجه در ولایات/ پس از انعقاد عهدنامه ترکمانچای، با توجه به حقوق ویژه‌ای که به دولت روسیه بر اساس اصل دول "کامله‌الوداد" داده شد، رسیدگی به امور مربوط به اتباع در اختیار نماینده خاص ایران، کارگزار و نماینده ویژه دولت متبوع شاکی یا متشاکی قرار گرفت، بنابراین، ضرورت حق قضاوت کنسولی، کارپردازان وزارت امور خارجه را بر آن داشت تا به تأسیس کارگزاری‌ها در شهرهای دیگر بپردازند. بر این اساس، کارگزاری‌ها به‌عنوان مرجعی برای رسیدگی به امور مربوط به اتباع بیگانه در ولایات تأسیس شد و آغاز به کار کرد. گرچه زمان دقیق تأسیس کارگزاری‌ها مشخص نیست، اما قدیمی‌ترین سند از اسناد مکاتبات کارگزاری‌ها مربوط به اواخر سال ۱۲۵۶ق. / ۱۸۴۰م. است. این مؤسسه ابتدا به‌صورت ادواری در تبریز از سال ۱۲۵۳ق. / ۱۸۳۷م. آغاز به کار کرد و در تهران با عنوان دفتر محاکمات در دیوان وزارت خارجه، به امور مربوط به اتباع می‌پرداخت. در زمان صدارت امیرکبیر و آغاز اصلاحات در نظام اداری دوره ناصری (۱۲۶۸-۱۲۶۵ق.). فعالیت کارگزاری‌ها صورت منظمی یافت و پس از عهدنامه پاریس در ۱۸۵۶م. این مؤسسه با نظارت وزارت امور خارجه گسترش یافت. کارگزاری هر ولایت با توجه به جمعیت شهر، حضور اتباع و درجه اعتبار کنسولگری، اهمیت و جایگاه متفاوتی داشت. بر این اساس، کارگزاری‌ها در چهار رده درجه‌بندی می‌شدند: ایالات آذربایجان، خراسان و بنادر جنوب با مرکزیت

بوشهر در درجه اول؛ محمره، گیلان، کرمانشاهان، گنبد قابوس و استرآباد. در جایگاه دوم؛ ولایت اصفهان، اردبیل، شیراز، ارومیه، کرمان، قزوین، اهواز، تربت حیدریه، بیرجند و بجنورد جزو کارگزاری‌های درجه سه؛ نمایندگی‌های شهرهای کوچک که جمعیت اتباع بیگانه در آن کمتر بود، مانند خوی، سلماس، سبزواری و لنگرود نیز جزو کارگزاری‌های درجه چهار محسوب می‌شدند. رسیدگی به امور اتباع بیگانه (به‌صورت عمومی و اختصاصی) در قالب رابط و اطلاع‌رسانی، مسائل مربوط به اقلیت‌های مذهبی، گمرک، مرزبندی‌ها، تابعیت و صدور تذکره در زمره مهم‌ترین وظایف این مراجع قرار داشت (نورایی، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۵).

ج) روابط ایران و عثمانی از صفویه تا قاجار / محوری‌ترین عامل بروز اختلاف بین ایران و عثمانی، مسأله حجاج و زوار ایرانی و آزارهای مأموران دولت عثمانی در طول سفر به مکه و عتبات عالیات نسبت به ایرانیان بود. این موضوع بارها در عهدنامه‌های دوره صفوی مانند عهدنامه ذهاب نیز مطرح شده بود؛ اما هر بار، حقوق زائران ایرانی در مسیر به نوعی نقض و موجب برهم خوردن صلح دو طرف می‌شد. نقض تمامیت ارضی ایران از سوی عثمانی و آزار حجاج و زائران عتبات، همچنان اصلی‌ترین عامل برای آغاز نزاع بین طرفین در دوره فتحعلی شاه بود و در نهایت منجر به شکست عثمانی و امضای قرارداد ارزنه‌الروم اول در تاریخ ۱۲۳۸ق. در ۷ ماده شد. یکی از مهم‌ترین مفاد این عهدنامه مانند گذشته، بحث حجاج و تجار ایرانی بود. بر این مبنا که عثمانی متعهد شود به حجاج و تجار ایرانی آزاری نرساند، از ایشان غیر از حقوق گمرکی چیزی مطالبه نکنند و طرفین در پایتخت کشور مقابل سفیر داشته باشند (فرهاد معتمد، ۱۳۳۶: ۱۳۵)، اما دولت عثمانی باز هم به تعهدات خود مبنی بر رعایت احوال زوار عمل نکرد و داوود پاشا، والی بغداد در پی آزار آنها بود. فتحعلی شاه به همین انگیزه، آماده حمله به قلمرو عثمانی شد؛ گرچه با مرگ وی، کار به دوره محمدشاه کشید. در سال ۱۲۵۸ق. و در ادامه آزار حجاج، حمله والی بغداد به محمره، قتل و غارت آنجا و تجاوز ایلات و عشایر، محمدشاه نیز آماده حمله به خاک عثمانی شد. این بار با میانجیگری روس و انگلیس، سرانجام با حضور نمایندگان ایران، عثمانی، روس و انگلیس، طی چهار

سال مذاکره (۱۲۶۲-۱۲۵۸ق.) ارزنه الروم ۲ جامع‌ترین قرارداد در ۹ فقره بین دولتین جهت رفع اختلافات به امضاء رسید. این قرارداد مبنای مرزهای ایران و عثمانی و شیوه برخورد و رفتار متقابل آنها قرار گرفت و مهم‌تر از همه، بحث زوآر و حجاج ایرانی بود که عثمانی‌ها برای همیشه متعهد به ترک سوء رفتار نسبت به شیعیان شدند (ورهرام، ۱۳۶۷: ۳۶۴-۳۶۱).

- به موجب فقره ۷ عهدنامه، دولت عثمانی متعهد شد که از هرگونه تعدی نسبت به زوآر ایرانی در خاک عراق جلوگیری کند، زوآر و اتباع ایرانی در خاک عثمانی محترمانه عبور و مرور کنند و حقوق آنها محفوظ و جان و مال آنها در حمایت دولت عثمانی باشد. در ضمن برای رسیدگی به وضع زوآر و اتباع ایرانی در کشور عثمانی و حفظ منافع آنها، دولت ایران حق داشته باشد در هر یک از شهرهای عثمانی - غیر از مکه و مدینه - که لازم بداند نمایندگی بازرگانی و سیاسی دایر کند. در واقع این نخستین اقدام ایران برای تأسیس کنسولگری در عثمانی است (صالحی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا: ش. ۱۷۴).

۵) کارگزاری‌ها و صدور تذکره/ پس از انعقاد عهدنامه ترکمانچای و تأکید بر صدور تذکره عبور برای کنترل رفت‌وآمد مسافرین، با تأسیس وزارت امور خارجه، اداره‌ای معین در این وزارتخانه به امر صدور تذکره می‌پرداخت. تأسیس کارگزاری‌ها به عنوان نمایندگی‌های وزارت خارجه در ولایات مرزی، وجه بالای درآمد قابل توجه سالانه تذکره ولایات و افزایش درآمد شاه و دربار از طریق به مقاطعه گذاردن امور تذکره موجب شد تا شعبه‌هایی از اداره کارگزاری در ولایات مأمور امور تذکره شوند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۴۲)؛ حتی منصبی با عنوان امین‌التذکره مسئول صدور تذکره در کارگزاری‌ها تعیین گردید. با توجه به درآمد بالای امور تذکره که اعتمادالسلطنه به آن اشاره کرده است، گاهی مأموران تذکره با سخت‌گیری‌های خود برای کسب عواید بیشتر، موجب شکایات کنسولگری‌ها و نمایندگان - به ویژه بریتانیایی‌ها - در ایالات مرزی می‌شدند. برای مثال، جنرال قنسول بندرعباس از این مسأله گلایه داشت که چرا وجه درخواستی مهر تذکره برای اتباع آن کشور در برابر اتباع ایرانی برابر است و تابعیت، خود نوعی ویزاست (نورایی، ۱۳۸۶: ۷۲)، اما با وجود سخت‌گیری‌ها و نظارت مأمورین که به انگیزه رعایت قانون امور تذکره اعمال می‌شد، با توجه به وسعت مرزها و کمبود نیروی کاردار، کارگزاران از آشفتگی

در امور سرحدی و تذکره گله‌مند بودند و توان کنترل همه‌جانبه رفت‌وآمد مسافری را نداشتند. برای مثال، نظارت بر رفت‌وآمد طایفه‌های عرب، بلوچ و افغانی به عنوان اتباع بیگانه، تحت قوانین تذکره تعریف نمی‌شد. از رئیس و سرپرست کارگزاری‌ها با عنوان مهمان خارجه یاد شده است که در کنار آن پُست‌هایی چون کارگزار، نایب کارگزار، منشی، امین‌التذکره، وکیل و شماری قراول نیز به عنوان مقامات کارگزاری تعیین شده بودند. مؤسسه کارگزاری در نظام اداری وزارت خارجه (از سال ۱۸۸۰م. به بعد) در سه قسمت مجزا، البته به‌طور متمرکز به امور اتباع می‌پرداخت (وره‌رام، ۱۳۶۷: ۹۵).

دستور انحلال اداره کارگزاری‌ها، بعد از تشکیل عدلیه جدید یا دادگستری در اردیبهشت ۱۳۰۶ ش. / آوریل ۱۹۲۶م. و الغای نهایی کاپیتولاسیون بر اساس اعلامیه رضاشاه به همه کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های دول خارجی، در حالی که دو-سوم نمایندگی‌های آن در ولایات به سال ۱۳۰۱ ش. منحل شده بود، ابلاغ گردید. دفاتر نیز با ارائه اسناد تمبر، تذکره و متعلقات، روند اجرای این دستور را تسریع کردند و سرانجام در تیرماه ۱۳۰۶ ش. همه کارگزاری‌ها منحل و وظایف این دفاتر، به جز برخی امور مربوط به صدور تذکره که کماکان در حوزه اختیارات وزارت خارجه بود، میان نهادهای مختلف سیاسی، قضایی، دادگستری و حاکمان ولایات تقسیم شد.

دوره ناصری و آغاز صدور رسمی تذکره عبور و مرور

آغاز روند اصلاحات درون حکومتی به اوایل قرن ۱۹ میلادی و دوران ولایتعهدی عباس میرزا و مشاور وی قائم‌مقام فراهانی برمی‌گردد؛ دورانی که ولیعهد و مشاورش با پی بردن به علل شکست ایران مقابل روس که ریشه در عقب‌ماندگی‌های همه‌جانبه داشت، در صدد جبران برآمدند. جنبش اصلاحی که عباس میرزا و وزیر اصلاح‌طلب او قائم‌مقام فراهانی، در نخستین دهه قرن ۱۹ میلادی آغاز کرده بودند، در دوره صدارت امیرکبیر بین سال‌های ۱۲۶۷-۱۲۶۴ق. پیشرفت چشمگیری داشت. به عبارت بهتر، وی پایه‌گذار اصلی اندیشه ترقی بر اساس سیاست مستقل در نظام آشفته دولت قاجار بود. اوضاع نابسامان جامعه

قاجار در همان ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه، او را به سمت اصلاحات سوق داد. اقدامات وی در زمینه تغییرات نظامی، سیاسی و اقتصادی به مراتب نافذتر و پیوسته‌تر از دوره عباس میرزا بود، چندان که در تاریخ قاجار کمتر بتوان از اصلاحاتی یاد کرد که امیرکبیر در ایجاد آن سهم عمده‌ای نداشته باشد. بی‌سبب نیست که فریدون آدمیت از او به‌عنوان نماینده ناسیونالیسم ایرانی یاد کرده است (آدمیت، ۱۳۳۴: ۱۵۹). مهم‌ترین اقدام اصلاحی امیرکبیر در زمینه سیاست بود؛ در حوزه سیاست داخلی با تغییراتی، دست بسیاری از درباریان را از امور سیاسی کوتاه کرد و همین امر نیز موجب افزایش مخالفان وی در دربار شد. در حوزه سیاست خارجی، اقدامات وی به تأسی از جریان فکری قائم‌مقام، مبتنی بر اصل موازنه منفی و به‌کارگیری قدرت سوم بود. به دنبال همین سیاست نیز، بر اساس انعقاد عهدنامه "دوستی و کشتی‌رانی" بین کاردار ایران و وزیرمختار امریکا در استانبول- پس از ۱ سال و ۳ ماه- بر اساس ماده ۵ عهدنامه، طرفین تصمیم گرفتند سه کنسولگری آمریکا در شهرهای تهران، تبریز و بوشهر و سه کنسولگری ایران در شهرهای واشنگتن، بوستون و نیواورلئان گشایش یابد و با این تصمیم، نخستین گام در زمینه روابط ایران و آمریکا در قرن ۱۹ میلادی برداشته شد (علی‌صوفی، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۳۷).

از سوی دیگر، با اینکه قریب به نیم قرن از تأسیس سفارتخانه‌های انگلیس، روسیه و عثمانی در ایران می‌گذشت، اما دولت ایران در هیچ یک از این کشورها سفارت مقیم نداشت. امیرکبیر نیز با استناد به این موضوع و با قصد نظارت مستقیم بر سیاست خارجی، در سال ۱۲۶۷ق. دستور تأسیس سه سفارتخانه مقیم در سه پایتخت بزرگ آن زمان، یعنی استانبول، لندن و سن‌پترزبورگ را صادر کرد و همین امر مقدمه آغاز کار نمایندگی‌ها در شهرها و کشورهای دیگر شد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۴: ۲۶۷) و در پی همین دستور، کنسولگری ایران در بمبئی نیز آغاز به کار کرد. وظایف کارپرداز ایران در هند به این شرح آمده است (شمیم، ۱۳۹۰: ۸۶):

- تقویت و حمایت تجار و تبعه دولت

- خودداری از گرفتن رشوه

- خودداری از شکنجه اتباع ایران
- آگاهی کامل از جمیع معاملات و دادوستد تجار، ثبت و ضبط آنها و ارسال سیاهه یک‌ماهه به تهران
- برقراری تذکره دولتی برای تجار و اتباع ایرانی
- مراقبت در اخذ وجه گمرک که بیش از حد معمول از اتباع ایرانی اخذ نشود.
- سرکشی سالیانه به اتباع ایرانی ساکن کلکته

به دنبال فرمان تأسیس سفارت مقیم در مراکز مذکور، میرزا عبدالحسین خان عضدالملک به سمت وزیرمختاری روسیه، میرزا شفیع خان نایب آجودان‌باشی به سمت مصلحت‌گزار انگلیس و حاجی میرزا احمدخان به‌عنوان کارگزار عثمانی تعیین شدند (معتمد، ۱۳۲۵ : ۵). مأمورین سیاسی وظیفه داشتند تمام اخبار اوضاع اتباع ایرانی و مسائل مربوط به روابط خارجی را در قالب گزارش به دولت مرکزی در تهران اطلاع دهند. چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، تشکیلات وزارت امور خارجه در دوره امیرکبیر ترتیب منظم یافت و در این زمینه، با توجه به بحث امنیت راه‌ها و توجه دولت مرکزی به اوضاع اتباع خارجی در ایران و صدور قانون تذکره و ابلاغ فرمان تذکره عبور برای عبور از مرزهای ایران به منظور تأمین این اهداف اقدام شد، تا پیش از امیرکبیر، صدور تذکره اهمیت چندانی نداشت:

"به غیر از روسیه در هیچ یک از ممالک عالم گذرنامه برای ورود و خروج به مملکتی تقاضا نمی‌کردند. در ایران هم یک مقررات سطحی و بی‌اهمیتی وجود داشت. در عمارت وزارت امور خارجه که فعلاً محل شیروخورشید شده است، در قسمت شمالی ارگ، داخل دالان، در یک اتاق کوچکی یک نفر روی زمین، پشت میز کوتاهی نشسته بود. در مقابل یک تومان یک ورقه گذرنامه صادر می‌کرد. در این گذرنامه که عکس حامل را هم نداشت، فقط بعضی علائم و اسم مسافر را می‌نوشتند و این ورقه تنها برای ورود و خروج از روسیه بود و ارزش دیگری نداشت. این یکی از رسوم دوره استبداد و حکومت جابرانه در ایران بود. البته پس از اینکه حکومت ایران مشروطه شد و اهالی از نعمت آزادی شخصی منتفع شدند، این قانون برچیده شد" (بهرامی، ۱۳۶۳ : ۸۳).

گرچه سابقه روند رسمی صدور تذکره از سوی وزارت امور خارجه به دوره صدارت امیرکبیر بازمی‌گردد، با این همه، بر اساس اسناد موجود، در این دوره کماکان تذکره‌ها در قالب تذکره‌های دستی صادر می‌شد و این روند تا سال ۱۲۷۱ق. نیز در دستگاه وزارت خارجه حداقل برای صدور تذکره‌های عادی ادامه داشت. قدیمی‌ترین تذکره چاپی باقی‌مانده به نام حسینعلی نوری در سال ۱۲۶۹ق. به‌جانب عتبات صادر شده است (مجله پلیس ایران، ۲۵۳۵: ۵۱).

با اینکه دولتین ایران و روس یکی از آغازکنندگان جریان صدور تذکره چاپی در روابط خارجه ایران هستند و این مطلب در نگاهی کلی می‌توانست نقطه قوتی در روند روابط دو کشور تلقی شود، اما صدور تذکره‌های چاپی جدید، مورد ایراد روس‌ها قرار گرفت، به طوری که میرزا محمدحسین صدر سفیر ایران در پترزبورگ، هنگام مذاکره با سینادین مأمور رسمی دولت روس به وی چنین گفت:

«در خصوص تذکره مطبوعه به مهر شیروخورشید دولت علیه ایران را که امنای دولت بهیه می‌گویند تازه رسم شده و در وقت مصالحه ترکمانچای رسم تذکره دادن در دولت ایران معمول نبوده است. بلی؛ این‌طور تذکره که حالا در دولت اعلیحضرت پادشاهی به مهر شیروخورشید در دارالطباعة طبع می‌نمایند آن وقت نبوده است و اما قرار چنین بوده که به نوشته خطی که با قلم تحریر می‌کرده‌اند کاغذ و نوشته می‌داده‌اند. در آن اوقات دولت ایران به رعیت خود نوشته و کاغذ می‌داده است، حالا تذکره به مهر شیروخورشید می‌دهند. کاغذ خطی با نوشته مطبوعه چه فرق خواهد داشت؟» (آدمیت، ۱۳۳۴: ۱۴۰).

فرمان استفاده از تذکره عبور، نخستین بار طی نامه‌ای از سوی امیرکبیر خطاب به منشی وزارت خارجه (مصطفی خان) در تاریخ جمادی‌الثانی ۱۲۶۷ق. صادر شده است: وی در این نامه، میرزا جبار تذکره‌چی را به‌عنوان رئیس کل اداره تذکره انتخاب کرده است:

"عالی جاها عزت همراها، عزیزا، تذکره عبور و مروری انطباع شده است و در هر ولایتی که لازم است در آنجا تذکره به مردم داده شود امین و نویسنده مأمور گردیده است، چون آن عالیجاه در دارالسلطنه تبریز مأمور به رتق و فتق امور دول

خارج است، امانت تذکره تبریز را نیز به آن عالیجاه واگذار نمودم که مشغول ثبت و سررشته تذکره و روزنامه‌نویسی باشد و هر قدر هم از تذکره عبور و مرور و تذکره رعیتی که لازم بود با کتابچه قواعد آن به جهت آن عالیجاه روانه شد که پس از استحضار بر قواعد مسطوره در کتابچه مزبوره از آن قرار رفتار نماید و به مردم بی‌پای غیرمعتبر غیرمعروف از رعیت این دولت تذکره ندهد و نگذارد از سر حد خارج شوند که مایه زحمت و گفتگو شود و نیز امین‌التذکره عالیجاه عزت‌همراه حاجی میرزا جبار که بر آن عالیجاه لازم است که امور متعلق به تذکره را عموماً بنویسد و به او اطلاع دهد که عالیجاه مشارالیه در مقام انجام و اتمام آن برآید. معلوم است که از قرار معمول خواهد داشت. زیاده چه تأکید شود. شهر جمادی‌الثانی ۱۲۶۷" (آل داوود، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

پس از صدور این نامه از سوی وزارت امور خارجه، در شماره ۴ روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۶۷ق.) سواد حکم امیرکبیر مبنی بر صدور تذکره عبور به طبع رسید. بعد از آن نیز در شماره ۱۰ وقایع اتفاقیه (۱۲۶۸ق.) خبر صدور تذکره یا همان پاسپورت به اطلاع عموم رسید.

بر این اساس، اداره تذکره در ضلع شرقی ارگ تهران به دستور امیرکبیر و به ریاست میرزا جبار تذکره‌چی ناظم‌المهام در تاریخ ۱۲۶۷ق. تأسیس شد. البته با توجه به اطلاعات پیشین، اداره کارگزاری به‌عنوان مرجع جهت صدور تذکره در ولایات مرزی، به ویژه در جنوب به مرکزیت بوشهر و در آذربایجان به مرکزیت تبریز و در شمال به مرکزیت گیلان، پیش از دوره امیر شناخته شده و مشغول کار بودند؛ با این وجود، با حکم امیرکبیر اداره دفتر تذکره در این سال تأسیس شد.

در بیان شرح‌حالی کوتاه از رئیس اداره تذکره، گفتنی است که میرزا جبار فرزند حاج صفرعلی خویی و کنسول ایران در بغداد در دوره قاجار بود و از جانب امیرکبیر به‌عنوان مدیر روزنامه وقایع اتفاقیه برگزیده شده بود. از سوی دیگر، چنانکه امیر در نامه خود به مصطفی خان، منشی وزارت امور خارجه اشاره کرده است، او مدتی هم مأمور تلگرافخانه تذکره آذربایجان بود. وی با توجه به سابقه کار در اداره تذکره به‌عنوان ریاست کل اداره تذکره، به میرزا جبار تذکره‌چی مشهور

شد. حاج میرزا جبار تذکره‌چی در پایان دوره صدارت امیر از بغداد احضار شد و در خدمت او قرار گرفت و در سال ۱۲۶۸ق. ناظم‌المهام گردید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۵۰۷).

با تأسیس اداره تذکره، عناوین نوینی نیز در قالب این مجموعه تعریف شد، همچون تذکره‌خانه (اداره تذکره-گذرنامه). در اداره تذکره علاوه بر شخص امین‌تذکره، مناصب دیگری چون: مدیرکل (میرزا جعفرخان)، مدیر انطباعات وزارت خارجه (میرزا رفیع خان)، منشی، سررشته‌دار، مَهرکننده، ثَبَات و نویسنده نیز مشغول رسیدگی به امور مربوطه بودند. اعتمادالسلطنه مراتب اداره تذکره را بدین گونه شرح داده است (همان: ۴۱۴):

اداره دفتر تذکره و طبع

میرزا جعفرخان: مدیرکل

میرزا رفیع‌خان: مدیر انطباعات وزارت خارجه

میرزا عبدالله: منشی

سررشته‌دار: ۱ نفر

مَهرکننده تذکره: ۲ نفر

ثَبَات و نویسنده: دو نفر

شعبات اصلی اداره تذکره در شهرهای مرزی که پیش از این نیز مرکز کارگزاری وزارت خارجه بود، دایر و مشغول کار شدند؛ بدین ترتیب: اداره تذکره آذربایجان به ریاست امین‌الوزراء به‌عنوان رئیس امنای تذکره سرحدات و میرزا اسماعیل‌خان، میرزا حسن‌خان و میرزا احمدخان به ترتیب به‌عنوان امین‌تذکره‌های تبریز، خوی و خدا آفرین؛ اداره تذکره گیلان به ریاست میرزا حبیب‌الله‌خان سرهنگ (امین تذکره) و میرزا امان‌الله به‌عنوان سررشته‌دار اداره تذکره در تعریف اصطلاح تذکره در قوانین مدون، جامع و کامل‌ترین تعریف ارائه شده چنین است:

"تذکره برای تشخیص تابعیت است و مقصود از دادن آن به تبعه دولت علیه از مسافرین و مقیمین خاک خارجه این است که در حین

لزوم مأمورین دولت علیه در حق دارنده تذکره کمال تقویت و همراهی داشته باشند و تمام محظوراتی که می‌توانند از مسافرت و اقامت این دارنده تذکره مانع شود موقوف دارند (شوال ۱۳۱۷ق.) " (قانون نامه تذکره با قانون تابعیت: فصل اول: ماده اول)

قانون تذکره (پیش از مشروطیت ۱۳۱۸-۱۳۱۷ق.)

از گفت و گوی امیرکبیر و منشی وزارت امور خارجه چنین بر می‌آید که امیر دستورالعمل تذکره را در کتابچه قانون ثبت و ضبط و به همه کارگزاری‌های وزارت امور خارجه در ولایات مرزی ابلاغ کرده بود. با این همه، ظاهراً نخستین قانون تذکره عبور و مرور همان است که در کتاب گراسه المعی، نوشته افضل‌الملک ثبت شده است.^۱ پس از آن، نخستین کتابچه دستورالعمل تذکره به طور مستقل در سال ۱۳۱۷ق. تحت عنوان دستورالعمل مأمورین تذکره، از سوی وزارت امور خارجه به مباشران گمرک ابلاغ شده بود. بر اساس مطالب مندرج در این کتابچه، کار تذکره پیش از تأسیس اداره کل تذکره، تحت نظارت اداره گمرک بوده است و مباشران اداره مذکور وظیفه رسیدگی به امور مربوط به صدور تذکره را بر عهده داشتند؛ ضمن آنکه کارگزاری‌ها باید تذکره مسافران را در سرحدات مهر و امضاء می‌کردند. این کتابچه در ۷ ماده تعریف و ارائه شده است: دستورالعمل آنهاپی که متصدی امر تذکره شده‌اند:

اولاً: از ابتدای سنه [...] تذکره به طور امانت واگذار می‌شود به امنای تذکره شرط اینکه به کمال درستی و درستکاری و امانت کار تذکره را اداره نمایند. ثانیاً: نگذارند احدی بدون تذکره منطبعه از سر حد خارج بشود و احدی از تبعه خارجه بدون تذکره امضاء شده داخل سرحد شود. در صورتی که امضای تذکره از کاربردازی نداشته باشند اگر از تبعه عثمانی است به حکم معامله متقابله قیمت را مضاعف بگیرند و اگر از رعایای سایر دول متحابه است، قیمت امضاء را از او گرفته تذکره او را

۱. غلامحسین افضل‌الملک، گراسه المعی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۹۴۵۲، ص ۱۴۶۰.

امضاء نمایند یا ورقه امضاء به آنها در صورتی که تذکره نداشته باشند و قیمت ورقه امضاء بعلاوه وجه ویژه از او دریافت خواهد شد.^۱ دومین کتابچه قانونی که تحت عنوان "دستورالعمل تذکره دولت علیه ایران" منتشر شده، مربوط است به سال ۱۳۱۸ق. و مشتمل بر ۶ فصل و ۳۹ ماده و با این عنوان آغاز می‌شود:

"قواعد عمومی به جهت تحصیل تذکره مرور از برای مسافرت به خارجه" در ماده اول آمده است:

«اتباع دولت علیه ایران به جهت مسافرت به خارجه باید تذکره مرور از کارگزاری‌های مهام خارجه در آذربایجان و خراسان و گیلان از امنای تذکره تحصیل کنند و هر جا که کارگزار نباشد، می‌توانند از کدخدای محل شهادتنامه تحصیل کرده با وجه قیمت تذکره. در ضمن عرض حال نمره (۱) به حکام یا نواب آنها پیشنهاد نمایند. درین مواقع حکام و نواب هم قبول کرده قبض رسید به صاحب عریضه داده عرض حال را با پول به کارگزار محل فرستاده تذکره گرفته به صاحبش می‌رسانند. موافق ماده دویم و پنجم شوال سنه ۱۳۱۷ قانون تذکره»^۲

نتیجه

تأسیس وزارت امور خارجه و تعریف مناسبات سیاسی رسمی ایران در دوره فتحعلی شاه، زمینه مناسب و اساسی برای صدور برگه هویتی ایران فراهم آورد. پس از آنکه دولت عثمانی بر اساس مفاد عهدنامه‌ای متعهد شد تا با زوآر و حجّاج ایرانی با احترام و مبتنی بر قواعد بین‌المللی رفتار کند، بر اساس سفرنامه‌های حجّ دوره قاجار، یکی از مسائل مورد توجه دولت‌های ایران و عثمانی، صدور و اصالت تذکره عبور و مرور بود. پیش از معاهده ارزنه‌الروم، زائران و حجّاج ایرانی در مضیقه صدور تذکره و مشقات آن بودند، یا در مرزهای عثمانی با وجود داشتن تذکره، از جانب مأموران عثمانی آزار

^۱. کتابچه دستورالعمل مأمورین تذکره، ۱۳۱۷ق. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه شماره ۹۳۹۲/۲. برگ ۳

^۲. دستورالعمل تذکره دولت علیه ایران ۱۳۱۸ق. به بعد، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

می‌دیدند، همچون مطالبه مبالغی اضافه بر قیمت تذکره و پاره کردن برگه عبور مانند اینها؛ گرچه پس از انعقاد آن معاهده، از شدت بدرفتاری‌ها کاسته شد.

آنچه به‌عنوان قانون تذکره در تاریخ روابط خارجی ایران تعریف و تبیین شد، حاصل مجموعه اصلاحات سیاسی- اداری امیرکبیر در حوزه روابط خارجی بود. او در سال ۱۲۶۷ق. دستور صدور تذکره در مرزهای ایران را به منشی وزارت امور خارجه ابلاغ کرد. این دستور مبدأ صدور تذکره‌های رسمی دارای نشان شیروخورشید و چاپی از ۱۲۶۹ق. بوده است. در مقاله حاضر، دو نسل تذکره عبور و مرور و سیر تکوینی آن بررسی شده است. نسل اول، تذکره‌های دستی مربوط به دوره ناصری و امیرکبیر که نخستین گروه از تذکره‌هایی است که در اسناد ایران معاصر از سال ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۱ق. به جای مانده است. و نسل دوم، تذکره‌های چاپی با نشان شیروخورشید از سال ۱۲۶۹ق. تا ۱۳۳۲ق. و مربوط به دوره ناصری تا احمدشاه قاجار است.

منابع و مآخذ

اسناد:

مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
مجموعه اسناد کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
مجموعه اسناد وزارت امور خارجه، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

کتاب‌ها:

آدمیت، فریدون، ۱۳۳۴، *امیرکبیر و ایران*، تهران: انتشارات پیروز.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۸، *المآثر و الآثار*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر.
آل داوود، سید علی، ۱۳۹۰، *اسناد و نامه‌های امیرکبیر*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
بهرامی، عبدالله، ۱۳۶۳، *خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا*، تهران: علمی و فرهنگی.
جعفریان، رسول، ۱۳۷۲، *"حجاج شیعی در دوره صفوی"*، میقات حج، تابستان، ش ۴.
_____، ۱۳۸۹، *پنجاه سفرنامه حج قاجاری*، تهران: انتشارات علم،
چریکف، موسیو، ۱۳۷۹، *سیاحت‌نامه موسیو چریکف*، چاپ دوم، ترجمه: آبکار مسیحی، تهران: امیرکبیر.
داندامایف، م. ا. ۱۳۵۸، *تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان*، ترجمه: میرکمال نبی‌پور، تهران: نشر گستره.
دستورالعمل تذکره دولت علیه ایران ۱۳۱۸ق. به بعد، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
دلاواله، پیترو، ۱۳۷۰، *سفرنامه دلاواله*، چاپ چهارم، ترجمه: شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۷، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
شاردن، ژان، ۱۳۷۲، *سفرنامه شاردن*، ج ۲، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس.

- شمیم، علی اصغر، ۱۳۹۰، *ایران در دوران سلطنت قاجار*، تهران: امیرکبیر.
- شرلی، آنتونی و شرلی رابرت، ۱۳۸۷، *سفرنامه برادران شرلی*، ترجمه: آوانس، به کوشش: علی دهباشی، تهران: نگاه.
- صالحی، نصرالله، ۱۷۴۳، *تاریخ روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، آبان ۱۳۹۱، شهریور
- علی صوفی، علیرضا، ۱۳۸۹، *نقش سیاست موازنه و نیروی سوم در تاریخ ایران*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- کتابچه دستورالعمل مأمورین تذکره، ۱۳۱۷ق.، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- کخ، هایده ماری، ۱۳۷۸، *پژوهش‌های تاریخی (پژوهش‌هایی بر پایه لوحه‌های باز یافته از تخت جمشید)*، ترجمه: امیرحسین شالچی، تهران: نشر آتیه.
- گرگوریو پریرا فیرالگو، ۲۵۳۷ شاهنشاهی، *گزارش سفیر پرتغال در دربار سلطان حسین صفوی*، ترجمه: پروین حکمت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلن، ویلیام و هنری مرتن، ۱۳۸۳، *کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید*، چاپ دوم، ترجمه: فاضل خان همدانی، تهران: اساطیر.
- معمد، محمود فرهاد، ۱۳۳۶، *تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*، تهران: ابن سینا.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، ۱۳۸۱، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۵۰۰-۱۹۴۵)*، تهران: امیرکبیر.
- مینورسکی، ۱۳۸۷، *ایران در زمان نادرشاه*، چاپ پنجم، ترجمه: رشید یاسمی، تحقیق و تصحیح: علی اصغر عبدالهی، تهران: دنیای کتاب.
- نورایی، مرتضی، ۱۳۸۶، *نقش کارگزاری‌های داخلی وزارت امور خارجه در روابط ایران و بریتانیا (۱۳۴۶-۱۳۰۸ق. / ۱۹۲۸-۱۸۹۰م.)*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- ورهام، غلامرضا، ۱۳۶۷، *نظام سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجار*، تهران: معین.

روزنامه‌ها:

روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۴، ۱۲۶۷ق.، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران،
ش ۹۹۸۸۰۰۰۱.

روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۱۰، ۱۲۶۷ق.، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه
تهران، ش ۹۹۸۸۰۰۰۲.



سند شماره ۱

سواد حکم امیر کبیر مبنی بر ابلاغ دستور استفاده از تذکره عبور به کارگزاری‌ها

(روزنامه وقایع اتفاقیه)

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۴ روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۷ق،.

دستور صدور تذکره، ۹۹۸۸۰۰۰۱

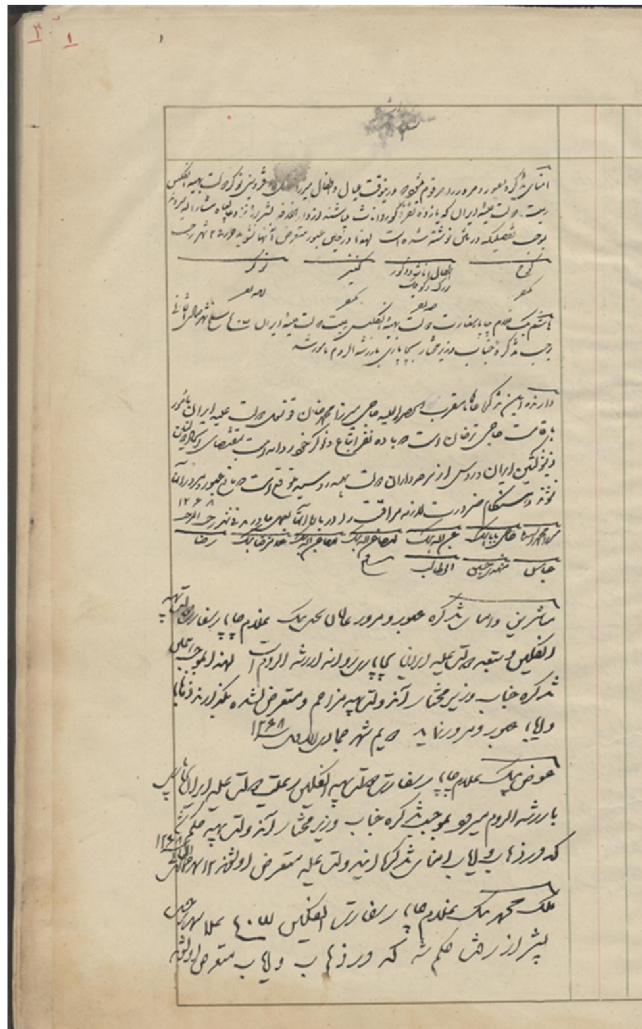


سند شماره ۲

تأکید بر لزوم استفاده از تذکره عبور و مرور (روزنامه وقایع اتفاقیه)

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۱۰ روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۷ ق.، ص ۴۵.

۹۹۸۸۰۰۰۲



سند شماره ۳

چند نمونه [سواد] تذکره عبور و مرور دوره امیر کبیر (۱۲۶۸ق.)
مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، I-24-GH1312-28-۵-۲۸



سند شماره ۴

نخستین تذکره چایی با نشان شیروخورشید (۱۲۶۹ق.)